

واکاوی تجارب زیسته یک دانشجومعلم در راستای توسعه حرفه‌ای

ساره حق‌خواه^۱، صفیه رضائی^۲، لادن کریمیان^۳

دریافت: ۱۴۰۱/۹/۲۷ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۷

چکیده

هدف از این پژوهش، نقد و بررسی تجارب پژوهشگر^۴، معلمان و استادان گرانقدر و الگوبرداری از آنها در جهت تعیین آرمان‌ها و تعهدات حرفه‌ای برای آینده‌ی معلمی نویسنده است. روش تحقیق، روایت پژوهی می‌باشد که با استخراج داده‌ها از طریق کدگذاری تجارب زیسته نگارنده و تحلیل داده‌ها به روش تحلیل مضمون انجام شد. یافته‌های پژوهش نشان داد که از نظر نگارنده موافقت خانواده، امنیت شغلی، علاقه به معلمان و شغل معلمی از عوامل مهم ورود به دانشگاه فرهنگیان می‌باشد. همچنین علی‌رغم کمبود امکانات دانشگاه و نواقص برنامه درسی، دانشگاه فرهنگیان از لحاظ توجه به ارزش‌ها و تعاملات عوامل انسانی، در سطح بسیار مطلوبی قرار دارد. ایجاد تحول در سیستم آموزشی، از آرمان‌های اصلی نگارنده بوده و تلاش برای یادگیری مادام‌العمر از تعهدات وی می‌باشد. بررسی نتایج این پژوهش می‌تواند موجب علاقمندی دانش‌آموزان و دانشجویان به رشته آموزش ریاضی و همچنین رشد و توسعه حرفه معلمی شود.

کلیدواژه‌ها: تجارب زیسته، دانشگاه فرهنگیان، توسعه‌ی حرفه‌ای، روایت پژوهی.

۱. استادیار گروه علوم پایه، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران، نویسنده مسؤول، sareh_haghkhah@yahoo.com.

۲. عضو هیات علمی گروه علوم پایه، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران.

۳. دبیر آموزش و پرورش شهرستان باشت، ایران.

مقدمه

آموزش و پرورش تعاریف گوناگونی دارد. گوناگونی این تعاریف اغلب ناشی از پیچیدگی و چندوجهی بودن امر آموزش و پرورش است. ژان ژاک روسو^۱، آموزش و پرورش را به یک کشتی تشبیه کرده است که نجات بشر را از طوفان ممکن می‌سازد. او آموزش و پرورش را اساس ساخت جامعه سالم قلمداد می‌کند که می‌تواند زمینه دستیابی هر فرد را به آزادی مستقل فراهم آورد. از آن جایی که انسان در خلأ زندگی نمی‌کند، بلکه عوامل و عناصر متعددی همچون: اشیاء، انسان‌های دیگر، محیط طبیعی و اجتماعی او را محصور کرده‌اند و او در ارتباط با این عناصر، قادر به رفع نیازهای اجتماعی خویش است، به همین دلیل در این روندها، پدیده‌ها و نهادهای اجتماعی به وجود می‌آیند که زندگی اجتماعی انسان‌ها پیوسته در ارتباط با این نهادها می‌باشد. آموزش و پرورش یکی از این پدیده‌ها و نهادهاست که با ماهیت انسانی، تکوین شخصیت فرد و زندگی اجتماعی او رابطه مستقیم دارد و با هرگونه تحرک اجتماعی و تغییر اجتماعی در تعامل است. همچنین آموزش و پرورش نهادی است که در ارتباط با سایر نهادهای اجتماعی عمل می‌کند (کاوه، ۱۳۹۱). در معنای محدودتر، «آموزش و پرورش به هر نوع آموزش و پرورشی اطلاق می‌شود که به صورت قراردادی و به شیوه‌های منظم، منطقی و از روی برنامه ارائه شود. این نوع آموزش و پرورش با ورود به مدارس یا مؤسسات آموزشی آغاز و با طی سطوح و مراحل متفاوت آن ادامه می‌یابد (علاقه‌بند، ۱۳۹۳).

از نظر امیل دورکیم^۲، آموزش و پرورش یک امر اجتماعی است و یک عنصر اصلی جامعه‌شناسی محسوب می‌شود. در تعریف وی آمده است: «آموزش و پرورش فعالیتی است که نسل بالغ، درباره سنی که هنوز برای حیات اجتماعی نارس است، به جای می‌آورد و موضوع این فعالیت عبارت است از برانگیختن و پروردن افکار و معانی و شرایط معنوی و مادی که مقتضیات حیات در جامعه سیاسی و محیط خصوصی است و طفل برای زندگی در آن آماده می‌شود. برداشت دورکیم از آموزش و پرورش، از مفهومی که برای انسان قائل است، ناشی می‌شود. به نظر او، انسان ذاتاً موجودی اجتماعی است و در جامعه زندگی خواهد کرد. لذا ملزم به آموزش و یادگیری راه و رسم زندگی اجتماعی جامعه خویش است. پس از لحاظ او، آموزش و پرورش وسیله سازمان‌دهی خود فردی و خود اجتماعی، به صورت یک موجود با انضباط است که می‌توان آن را به شکل‌گیری شخصیت و تولد اجتماعی شخص تعبیر کرد. مانهایم^۳ (۱۹۴۷-۱۸۹۳) نیز مثل دورکیم بر نقش سازنده آموزش و پرورش به عنوان یک فرایند اجتماعی آگاهانه تأکید کرده است و آن را فی‌نفسه تکنیک و وسیله‌ای برای کنترل اجتماعی، بازسازی و نوسازی جامعه می‌داند که در صورت استفاده آگاهانه و برنامه‌ریزی شده، می‌تواند به ایجاد انسجام و یگانگی اجتماعی مدد رساند (نلر، ۱۳۸۸). رشد و پیشرفت هر جامعه مستلزم پویایی و سرزندگی نظام آموزشی آن جامعه است؛ و تحول در نظام آموزشی در گرو بهبود عملکرد معلمان می‌باشد. معلم به عنوان یکی از ارکان اساسی تعلیم و تربیت در همه جوامع شناخته می‌شود. معلم اجراکننده برنامه‌های آموزشی در مدارس و تربیت‌کننده نیروی انسانی مورد نیاز جامعه می‌باشد. به همین دلیل هر نوع پیشرفت مادی و معنوی جامعه وابسته به کیفیت کار معلمان آن جامعه است. معلم باید از نظر شخصیتی، علمی و اخلاقی سرآمد عصر خود بوده و همیشه در تکاپوی تقویت آنها باشد. یکی از اساسی‌ترین مؤلفه‌های تعلیم و تربیت، معلم است. اگر فرایند آموزش و پرورش را به کاروانی تشبیه کنیم، بدون شک معلم قافله‌سالار این کاروان است. اگر این قافله‌سالار تمام پیچ و خمها و فرازهای مسیر را نداند، کاروان را به بیراهه خواهد برد. پس اگر معلم در وظیفه‌اش اغفال کند، نه تنها اهداف تعلیم و تربیت محقق نمی‌شود بلکه آموزش و پرورش ماهیت خود را از دست می‌دهد. با توجه به نقش و جایگاه معلم بخصوص در عصر کنونی لازم است معلمان از بین بهترین افراد تحصیل کرده انتخاب شوند و از آموزش‌های لازم در امر تربیت همه جانبه دانش‌آموزان بر خوردار شوند (فرهی، ۱۳۹۶).

در ایران، دانشگاه فرهنگیان وظیفه‌ی تربیت معلمان را بر عهده دارد. لذا می‌توان دانشگاه فرهنگیان را از جمله‌ی حساس‌ترین و مهم‌ترین عناصر و ارکان نظام تعلیم و تربیت دانست، چرا که موفقیت و عدم موفقیت در ایجاد تحول در نظام آموزشی، منوط

^۱ Jeanjacques Rousseau

^۲ Emile Durkheim

^۳ Mannheim

^۴ Kneller

به ایجاد توانمندی‌ها و قابلیت‌های حرفه‌ای لازم در معلمان است که به واقع مجریان اصلی برنامه‌ها در محیط واقعی تعلیم و تربیت می‌باشند (الماسی، زارعی، نیلی و دلاور، ۱۳۹۶).

در برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران ریاضیات به عنوان علم مطالعه الگوها و ارتباطات، هنری دارای نظم و برخوردار از سازگاری درونی، زبانی دقیق برای تعریف دقیق اصطلاحات و نمادها و ابزار کار در بسیاری از علوم و حرفه‌ها تعریف شده است. همچنین در سند مذکور آمده است: ریاضیات و کاربردهای آن بخشی از زندگی روزانه، و در جهت حل مشکلات زندگی در حوزه‌های مختلف بشمار می‌آید که دارای کاربردهای وسیع در فعالیت‌های متفاوت انسانی است. توانایی به کارگیری ریاضی در حل مسائل روزمره و انتزاعی، از اهداف اساسی آموزش ریاضی می‌باشد. تربیت دبیرانی که انتظارات برنامه درسی ملی را محقق سازند امری مهم و حیاتی به شمار می‌رود. تاکید و تمرکز بر رویکرد شایستگی محور و همگامی با تحولات بنیادین آموزش و پرورش از ویژگی‌های اساسی مد نظر دانشگاه فرهنگیان بوده است (برنامه درسی دوره کارشناسی پیوسته رشته آموزش ریاضی، خاص دانشگاه فرهنگیان، ۱۳۹۵). پیشرفت در حوزه آموزش معلمان ریاضی، آگاهی جامعه ریاضی را نسبت به پیچیدگی تدریس ریاضی، افزایش داده است (کرینر، ۱۹۹۶). یادگیری ریاضی نه تنها دیسپلین کشف و خلق است، بلکه دیسپلین یادگیری و تدریس نیز هست؛ همچنین جامعه حرفه‌ای ریاضی، دانش تجمعی ریاضی را جذب، نقد، منتقل و منتشر می‌کند (بس، ۲۰۰۴). به طور قطع درصد بسیار زیادی از دانشجو معلمان قصد دارند در آینده افرادی مثر ثمر و معلمانی بسیار موفق برای جامعه باشند. لذا مطالعه و بررسی تجارب زیسته در این زمینه اهمیت و نقش ویژه‌ای دارد. بحث درباره‌ی تجارب زیسته معلمی موضوع جدیدی نبوده و چند سالی است که مورد توجه دانشجو معلمان و همچنین پژوهشگران قرار گرفته است. نتایج تحقیق حق خواه، اسدالهی فرد و خانی کهنوئی (۱۴۰۱) بیانگر مجموعه‌ای از باورها، آرمان‌ها، نظریه‌های مورد قبول و چالش‌ها در مسیر معلمی بوده و تحقق آموزه‌های دینی و پژوهش در رابطه با چالش‌های معلمی مانند یادگیرنده مادام‌العمر بودن و چگونگی استفاده از روش‌های فعال تدریس با توجه به کمبود وقت را از جمله‌ی مهم‌ترین اهداف و آرمان‌ها معرفی می‌کند. حق خواه و چنگیزی نژاد فرد (۱۴۰۱) در پژوهشی که با هدف واکاوی ویژگی‌های حرفه‌ای معلمی بر اساس تجارب تحصیلی انجام گرفت نشان دادند که تسلط معلم بر مهارت‌ها و فنون آموزشی و محتوای درسی اساسی‌ترین ویژگی یک معلم موفق می‌باشد و اینکه فرد در آینده چگونه معلمی خواهد کرد، بخشی در گرو اعتقادات، باورها، آرمان‌ها و اصولی است که آن‌ها را پذیرفته و بخشی نیز مرتبط با چالش‌ها، موقعیت و شرایطی است که در آینده و در مسیر معلمی با آن‌ها روبرو خواهد شد و برای حل آن‌ها می‌بایست در لحظه تصمیم گرفت. نظری، اینانلو و سلیمیان (۱۳۹۹) طی پژوهشی، تجارب زیسته‌ی خود از دانشگاه فرهنگیان و واحدهای درسی ارائه شده در آن را مورد بررسی قرار دادند. نظریان، عابدی، مهداد و نادری (۱۳۹۹) پژوهشی با هدف مطالعه‌ی تجارب زیسته‌ی معلمان در زمینه‌ی شناسایی استعدادهای دانش‌آموزان بر اساس ابعاد و مؤلفه‌های الگوی تدریس اثربخش انجام داده‌اند. اناری نژاد و حاتمی آباد شاپوری (۱۳۹۷) با پژوهشی تحت عنوان «تجربه‌ی زیسته‌ی من در دانشگاه فرهنگیان برای معلم شدن» مسیر معلم شدن و اتفاقاتی که نویسنده را به سمت و سوی معلم شدن سوق داده را بررسی کرده‌اند. همچنین فرهادی راد، هاشمی و رحمتی (۱۳۹۷) پژوهشی با عنوان «الگوی مشترک بهترین تجارب تدریس: علت‌ها، زمینه‌سازها و راهبردها» با هدف یافتن الگوی مشترک بهترین تجربه تدریس معلمان ریاضی به رشته‌ی تحریر درآوردند. به دلیل تأثیراتی که ریاضیات در جهان پیرامون ما دارد، آموزش ریاضی یکی از موضوعات حائز اهمیت در نظام‌های آموزشی است؛ لذا علی‌رغم تأثیرگذاری این علم در حیطه‌های متنوع، علاقه و گرایش فراگیران علم به ریاضیات در چند سال اخیر در کشور ما به طور چشم‌گیری کاهش یافته و این امر باعث ابراز نگرانی شدیدی از سوی اندیشمندان شده است. لازم است جهت رفع این مسئله راهکارهایی مفید در سطح کشور طراحی و اجرا شوند. معلم به عنوان یکی از عناصر اصلی برنامه درسی، در تحقق هدف فوق نقش بسیار مهمی را ایفا می‌کند. از طرفی ساختار فکری و عملکردی معلم را تجارب زیسته وی پایه‌ریزی می‌نماید. این امر مهم نگارنده را به انجام این پژوهش و واکاوی تجارب زیسته با هدف توسعه حرفه‌ای ترغیب نمود.

^۱ Krainer

^۲ bass

اکنون این سوال مطرح می‌شود که شما چه انتظاری از یک معلم به عنوان عضو اصلی نظام آموزش و پرورش دارید؟ یک معلم موفق باید چگونه باشد؟ آیا معلمان ریاضی باید تنها بر بعد تدریس مفاهیم کتاب‌های درسی ریاضی تمرکز کنند؟ به نظر شما وظیفه‌ی اصلی یک معلم چیست؟ به عقیده‌ی نویسنده درصد زیادی از معلمان، فقط بر روی محتوای کتاب‌های درسی تأکید داشته و وظیفه‌ی خود را تنها تدریس رشته‌ی اختصاصی خودشان می‌دانند. غیر قابل انکار است که مفاهیم کتاب‌های درسی بسیار مهم هستند و حتماً باید آموزش داده شوند؛ اما این نوع عملکرد تک‌بعدی و تدریس خشک، خصوصاً اگر در درس ریاضیات و دیگر دروس اختصاصی باشد، خود باعث کاهش جذابیت و عدم علاقه‌ی دانش‌آموزان به این درس می‌شود. نگارنده در مطالعه‌ی حاضر قصد دارد با بررسی تجارب زیسته‌اش در تمام دوران زندگی، از کودکی تا پایان تحصیل در دانشگاه فرهنگیان، به این سؤالات پاسخ دهد:

چگونه باید معلمی کرد؟

باورها، آرمان‌ها و تعهدات حرفه‌ای برای آینده‌ی معلمی چیست؟

درواقع نویسنده خلاصه‌ای از تجارب خودش، معلمان و استادان را شرح می‌دهد تا علاوه بر اینکه برای آینده‌ی خود برنامه‌ریزی داشته باشد این تجربه‌ها را در اختیار دیگر همکاران قرار دهد. لازم به ذکر است که هرچند تجارب زیسته‌ی هر شخصی پیامدها و نتایج منحصر به فردی برای وی دارد، اما مطالعه‌ی این تجربه‌ها برای دیگر معلمان و دانشجو معلمان خالی از لطف نخواهد بود.

روش شناسی پژوهش

نویسنده در این پژوهش با توجه به ماهیت آن که از نوع کیفی بود، با استفاده از روش پژوهش روایی به شرح خاطرات دوران کودکی تا دوران تحصیل در دانشگاه فرهنگیان پرداخت؛ ابزار وی برای گردآوری داده‌ها کدگذاری تجارب زیسته‌اش و در نهایت استفاده از همین کدها برای رشد و توسعه‌ی حرفه‌ای‌اش بود. اصطلاح «روایت پژوهی»^۱ برای اولین بار توسط کانلی^۲ و کلاندینین^۳ مطرح گردید تا ره‌یافتی را که پیش از آن، بر نقل داستان‌های شخصی تأکید داشت، در زمینه‌ی آموزش معلمان توصیف کنند. مطالعات آنها این ایده را به همراه داشت که آنچه در زمینه‌ی آموزش و پرورش می‌دانیم، از نقل داستان‌های تجربه‌های آموزشی ما به یکدیگر نشأت می‌گیرد. بنابراین، روایت پژوهی با تحلیل و نقد داستان‌هایی که نقل می‌کنیم، می‌شنویم و می‌خوانیم در ارتباط است (وبستر^۴، و مرتوا^۵، ۲۰۰۷). تحلیل مضمون، یکی از روش‌های تحلیل در تحلیل‌های کیفی است؛ بویاتزیس^۶ (۱۹۹۸) آن را نه روشی خاص بلکه ابزاری مناسب برای روش‌های مختلف، معرفی می‌کند. ریان^۷ و برنارد^۸ (۲۰۰۰) نیز کدگذاری مضامین را فرایند پیش‌نیاز تحلیل‌های اصلی و رایج کیفی معرفی می‌کنند، تا روشی منحصر به فرد و خاص. اما به عقیده‌ی براون^۹ و کلارک^{۱۰} (۲۰۰۶) تحلیل مضمون را باید روش ویژه‌ای در نظر گرفت که یکی از مزایای آن، انعطاف‌پذیری است.

در این پژوهش تجارب زیسته‌ی دانشجو معلم که منجر به تنظیم هنجارهایی برای چگونه معلمی کردن وی در آینده شد، مورد بررسی قرار گرفت، از نظر نویسنده هرچقدر که یک معلم از منابع کتابخانه‌ای برای کسب اطلاعات و وضع قانون برای معلمی‌اش استفاده کند باز هم مرور خاطرات و واکاوی تجارب زیسته‌ای که وی شخصاً در آن موقعیت‌ها قرار گرفته‌است، بسیار حائز اهمیت است و می‌تواند راهنمای مسیر معلمی‌اش باشد. بنابراین نگارنده تجاربش را به صورت تمام و کمال، بدون وارد کردن

^۱ Inquiry Narrative

^۲ Connelly

^۳ Clandinin

^۴ Webster

^۵ Mertova

^۶ Boyatzis

^۷ Ryan

^۸ Bernard

^۹ Braun

^{۱۰} Clarke

تغییری در وقایع تجربه شده، ابتدا بدون در نظر گرفتن زمان، روایت کرده و سپس تمام این تجارب را به صورت پیوسته از زمان کودکی تا پایان تحصیل در دانشگاه تدوین نمود. سپس اقدام به کدگذاری روایت‌ها کرده و از این کدها در تهیه لیستی از هنجارهایی که برای توسعه حرفه‌ای‌اش نیاز داشت استفاده کرد (چندسوسازی داده‌ها). نویسنده در تمام این مدت، طی جلساتی که با همکاران داشت آنان را در جریان مراحل تحقیق قرار می‌داد و با خواندن مرحله به مرحله تحقیق در جلسات از دیگر دانشجو معلمان، که تعدادشان ۱۷ نفر بود، درخواست نمود که نقدهایشان را در خصوص تحقیق ارائه دهند (بررسی همکاران). همچنین بعد از هر مرحله فایل تحقیق را در اختیار شخصی متخصص و آگاه به روش پژوهش (استاد راهنما) قرارداد تا ایشان نیز نکات تکمیلی را بیان کنند؛ علاوه بر این نویسنده با ۴ نفر از هم‌کلاسی‌های دوران دبیرستان و راهنمایی‌اش نیز برای صحت کامل خاطراتش صحبت کرد و حرف‌های آنان را نیز مد نظر قرارداد و از آنها خواست اگر جایی از روایت‌ها کم یا زیاد است به وی گوش زد کنند (ناظران بیرونی).

یافته‌های پژوهش

در این بخش، تحلیل محتوای تحقیق به روش تحلیل مضمون و نتایج تولید شده‌ی مبتنی بر آنها عرضه شده‌است. درواقع پس از مکتوب شدن خاطرات و تجارب زیسته‌ی مرتبط با موضوع پژوهش (پیوست ۱)، کدگذاری‌ها در قالب دو جدول انجام شد. ابتدا کدگذاری اولیه شامل گزاره‌ها و مفاهیم اولیه که دارای ۱۰۷ کد بود (پیوست ۲) و سپس کدگذاری نهایی شامل کدهای هم‌گروه، مفاهیم جایگزین، مفاهیم اصلی و مضمون نهایی در جدول شماره ۱ ارائه شد. مضمون نهایی "تجارب کسب‌شده از دوران تحصیل" می‌باشد و از دل همین کدها هنجارهایی برای معلمی استخراج گردید.

جدول ۱. کدگذاری نهایی

مضمون نهایی	مفاهیم اصلی	مفاهیم جایگزین	کدهای هم‌گروه
تجارب کسب‌شده از دوران تحصیل	درباره‌ی من	تولد و خانواده	زمان و مکان تولد. ۱
			مورد توجه خانواده بودن. ۲
		موفقیت‌ها	شاگرد نمونه کلاس. ۱۸ و ۱۹
			فعال و با استعداد بودن. ۲۸ و ۳۲ و ۳۳ و ۴۲
			برنامه ریزی و هدف برای آینده. ۳۱
			رشد در مدرسه. ۳۷
			موفقیت در تحصیل. ۵۱
			موفقیت در آزمون ورودی تیزهوشان. ۶۱
	علاقه و استعداد در ریاضی	علاقه و توجه من و خانواده به رشته‌ی ریاضی و مهندسی. ۳	
	و حائز اهمیت بودن این درس	اهمیت رشته ریاضی در دهه‌ی ۸۰. ۴	
		لذت بردن از حضور در فضای آموزشی. ۶	
		علاقه به درس و مدرسه. ۳۴	
		عدم علاقه به دروس حفظیاتی. ۴۰	
		علاقه به تاریخ. ۴۱	
		علاقه به ریاضیات. ۶۸	
		استعداد در ریاضی از دوران کودکی. ۵ و ۲۵	
		هوش و استعداد. ۱۵	
		هوش و استعداد در ریاضیات. ۶۰	
	احساسات	تلاش برای انتقام از معلم. ۴۷	
		تنفر از درس و معلم به دلیل تنبیه اشتباه. ۴۸	
	محبوبیت	داشتن روابط اجتماعی خوب. ۲۳	

علاقه‌مندی اولیه به دوستی فرزندشان با من. ۲۴ و ۵۸

محبوب و زرننگ بودن. ۵۷

تغییر مدرسه. ۳۸

انتقال

تغییر کلاس. ۳۹

انتظار اطرافیان. ۶۴

فضای سمی مدارس تیزهوشان. ۶۵

عوامل مایوس کننده

ترساندن دانش آموز از درس. ۶۶

اعتماد به نفس نداشتن در انتخاب رشته. ۶۷

عدم موفقیت در رشته‌ی تجربی. ۷۶

زمان و مکان تحصیل. ۷ و ۳۶ و ۶۳

سال تحصیلی و اسم مدارس

مدرسه من

حوصله و مهربانی معلم دبستان. ۸

ویژگی‌های مثبت معلمان

معلمان من

به‌روز بودن معلم ابتدایی. ۹

ایجاد فضای با آرامش در کلاس. ۱۰

عدم بزرگ‌نمایی اشتباه دانش آموز. ۱۱ و ۱۴

کمک به دانش آموز در رفع اشتباه او. ۱۲

تشویق دانش آموز. ۱۳

تفاوت قائل نشدن میان دانش آموزان. ۲۲ و ۲۶

صداقت در کار. ۲۷

مسئولیت دادن به دانش آموز. ۲۹

جملات انگیزشی. ۳۰

تنبيه متناسب با روحیات دانش آموزان. ۵۰

خوش پوش و زیبا بودن. ۵۲

جذاب صحبت کردن. ۵۳

پخش موسیقی در کلاس درس. ۵۴

رعایت اصول کاری در کنار مهربانی. ۵۵

آگاهی دادن به دانش آموز و اولیا. ۶۲

تنبيه مثبت و مناسب. ۶۹ و ۷۰

عدم توجه به همه‌ی دانش آموزان. ۳۵

ویژگی‌های منفی معلمان

رفتار بد معلم و خجالت زده شدن دانش آموز. ۴۳

تنبيه در جلسه‌ی اول. ۴۴

سرزنش دانش آموز هنگام اشتباه. ۴۵

شکستن غرور دانش آموز. ۴۶

قضاوت زود هنگام معلم. ۴۹

عدم بیان مطالب پایه توسط معلم. ۷۲

تمسخر دانش آموزان. ۷۳

فضادادن زیادی به دانش آموز. ۷۴

معلم ریاضی بی اخلاق و بی حوصله. ۷۵

علاقه به معلم. ۱۶ و ۵۶

علاقه به معلمی

معلم شدن من

علاقه به درس به دنبال علاقه به معلم. ۱۷

علاقه به یاددهی مطالب به دیگران. ۲۰ و ۵۹

علاقه به معلمی. ۲۱

تغییر رشته	تلاش برای تغییر رشته. ۷۱
	نصیحت‌های معلم شیمی. ۷۷
	نصیحت‌های معلم ریاضی. ۷۸
	حمایت پدر و مادر. ۷۹
	تغییر رشته و ثبت نام کنکور ریاضی. ۸۰
ورود به دوران	تشویق به معلمی. ۸۱
دانشجومعلمی	قبولی در دانشگاه فرهنگیان. ۸۲
	خوشحالی بعد از قبولی دانشگاه. ۸۳
	رضایت از رشته‌ی دانشگاهی. ۸۴
	جایگاه شغل معلمی. ۸۵
دانشگاه من	افزایش اعتماد به نفس دانشجومعلم توسط دانشگاه. ۸۶
نقاط قوت	وجود استادان بسیار با تجربه. ۸۸
فرهنگیان	مفید بودن واحد درسی "طراحی آموزشی". ۹۲
	مفید بودن واحد درسی "روش‌های تدریس". ۹۳
	مفید بودن واحد درسی "مدیریت آموزشی". ۹۵
	تجربه‌ها استادان گران قدر دانشگاه فرهنگیان. ۹۸
کاستی‌های فرهنگیان	عدم انتقال اطلاعات کاربردی به ما توسط استادان روانشناسی. ۸۷
	فقدان واحد درسی عمومی و کاربردی. ۸۹
	فقدان واحد درسی "مرور دروس مدرسه". ۹۰
	فقدان واحد درسی "فن بیان" در دانشگاه. ۹۱
	کم کاری بعضی از استادان الهیات. ۹۴
خوابگاه	شخصیت و صداقت دانشجویان و سرپرست‌های خوابگاه.
	۹۶
	شرایط فیزیکی بد خوابگاه. ۹۷
روند تدریس‌ها در دانشگاه	تهیه‌ی دست‌سازه و تدریس متفاوت. ۹۹
و پیامد آنها	تسلط بر اضطراب. ۱۰۰
	ضعف در برقراری ارتباط چشمی. ۱۰۱
	پیشرفت در ارائه‌ها و رفع نقاط ضعف. ۱۰۲
	مانع شدن آموزش مجازی بر پیشرفت. ۱۰۳
کارورزی	کارورزی ۱. ۱۰۴
	کارورزی ۲. ۱۰۵
	کارورزی ۳. ۱۰۶
	کارورزی ۴. ۱۰۷

استفاده از شبکه مضامین یکی از بهترین روش‌ها برای سازماندهی و بررسی عمیق مطالب است. در شکل شماره ۱ داده‌های حاصل از پژوهش سازماندهی شده‌اند. لازم به ذکر است که اولویت‌بندی مفاهیم استخراج شده، بر اساس میزان تأثیرپذیری از آنها نیست. چرا که هر کدام از این عوامل می‌تواند در یکی از ابعاد توسعه حرفه‌ای تأثیرگذار باشد که قیاس در مورد آن سازگار نیست و هر کدام در جایگاه و شرایط زمانی و مکانی خاص خود می‌تواند در اولویت قرار گیرد. در حقیقت، کدهای آزاد (مفاهیم جایگزین) بر اساس توالی زمانی و کدهای محوری (مفاهیم اصلی) به ترتیب جزء به کل سازماندهی شده‌اند.



شکل ۱. شبکه مضامین

درباره ی من: در این بخش مسائلی از قبیل تولد و خانواده، موفقیت ها، علاقه و استعدادها، احساسات و ... مورد بررسی قرار گرفت. نویسنده از بدو تولد مورد توجه خانواده قرار داشته و برای آینده ی وی در مسیر درس و مدرسه برنامه ریزی شده بود؛ استعدادها و در سایر دروس خصوصاً ریاضی زبانزد خانواده و معلمان بود. در دوران مختلف تحصیلی دائم از او خواسته می شد در دروس به هم کلاسی هایش کمک کند و در آزمون های مختلف پیشرفت تحصیلی و مسابقاتی که برگزار می شد رتبه های خوبی کسب می کرد. در کل از لحاظ هوش و استعداد، نویسنده در سطح خوب و بالایی قرار داشت. در این بین اتفاقاتی افتاد و بعضی از معلمان درباره ی او قضاوت هایی کردند که احساسات او را که آن زمان دانش آموزی دوازده ساله بود، جریحه دار کرد. به عنوان مثال به دنبال تنبیه معلم تاریخش می گوید: «من تا آن زمان در هیچ درسی از والدین کمک نمی گرفتم ولی برای درس تاریخ از پدرم خواستم که هر جلسه مطالب را در ذهن من جا بیاندازد و کمک کند که به تمام جملات و کلمات کتاب تسلط داشته باشم. این شد که من بهترین دانش آموز کلاس تاریخ شده و هر جلسه مورد تشویق آن معلم قرار می گرفتم. اما این تنبیه باعث شد از درس تاریخ و معلمش متنفر شوم و فقط برای اثبات خودم به معلم، تاریخ را بخوانم». یافته های این بخش نشان داد که نگارنده روحیه ی مصمم و پرتلاشی داشته و برای درس، رفتار معلمان و اتفاقاتی که در مدرسه می افتد ارزش قائل بوده و همچنین ارتباط اجتماعی خیلی خوبی با دوستان معلمان و اولیای دوستانش داشت و بسیار محبوب بود.

مدرسه ی من: در این قسمت به نوع مدارس و و سال های تحصیل اشاره شده است. نویسنده به عنوان یک فرد از خانواده ای معمولی در مدارس دولتی تحصیل می کرد تا زمانی که در آزمون ورودی مدرسه ی تیزهوشان قبول شد و دوران دبیرستان را در این مدرسه گذراند. طبق گفته های ایشان: «سال اول دبیرستان (۸۹-۹۰) در مدرسه تیزهوشان شروع به تحصیل کردم. این سال برای من بسیار عذاب آور بود و می توانم بگویم به کل از مدرسه فراری شدم. تمام فامیل، دوست و آشنا به من فشار می آوردند و با توجه به اینکه دانش آموز مدرسه تیزهوشان بودم انتظارات زیادی از من داشتند. معلمان خیلی سخت گیری می کردند، رقابت

خیلی زیاد بود و دانش آموزان با غرور زیاد این تصور را داشتند که از الان پزشک هستند و با معلمان کل کل می کردند و معلمان نیز فشار بیشتری به دانش آموزان می آوردند.

معلمان من: نویسنده با توجه به مروری که از تجارب زیسته اش در تمام دوران تحصیلی داشت خصوصیات مثبت و منفی معلمانش را دسته بندی کرد. حوصله، مهربانی و به روز بودن معلم دبستان، ایجاد فضای آرام در کلاس، عدم بزرگنمایی اشتباه دانش آموز، کمک به دانش آموز در رفع اشتباه او، تشویق دانش آموز، تفاوت قائل نشدن میان دانش آموزان، صداقت در کار، مسئولیت دادن به دانش آموز، جملات انگیزشی، تنبیه متناسب با روحیات دانش آموزان، خوش پوش و زیبا بودن، جذاب صحبت کردن، پخش موسیقی در کلاس درس، رعایت اصول کاری در کنار مهربانی، آگاهی دادن به دانش آموز و اولیا، و تنبیه مثبت و مناسب، خصوصیات مثبت معلمینی هستند که نگارنده از تجارب خود کسب کرده و سعی دارد از آنها الگوبرداری کند. همچنین ویژگی های منفی معلمان که از تجارب نویسنده استخراج شد عبارتند از: عدم توجه به همه ی دانش آموزان، رفتار بد معلم و خجالت زده شدن دانش آموز، تنبیه در جلسه ی اول، سرزنش دانش آموز هنگام اشتباه، شکستن غرور دانش آموز، قضاوت زودهنگام معلم، عدم بیان مطالب پایه، تمسخر دانش آموزان، فضا دادن زیادی به دانش آموز، بد اخلاقی و بی حوصلگی.

معلم شدن من: علاقه به معلمی، تغییر رشته، ورود به دانشگاه فرهنگیان از جمله مفاهیم کلیدی برای معلم شدن نویسنده بوده است. وی در دوران تحصیل به شغل معلمی و خصوصاً ریاضیات، بسیار علاقمند بوده و در انتقال مطالب به دیگران عملکرد موفقیت آمیزی داشت و پس از کنار هم قرار گرفتن عواملی چون حمایت خانواده، نصیحت معلمان و... ایشان تغییر رشته داده و این اولین قدم برای ورود به عرصه ی معلمی بود.

دانشگاه من: دانشگاه فرهنگیان از بهترین مکان ها برای تربیت معلمان موفق در رشته ی اختصاصی آنهاست؛ البته هر ارگانی ممکن است کاستی هایی داشته باشد. در این پژوهش نویسنده تجارب شخصی اش از دانشگاه فرهنگیان را در پنج مضمون مورد بررسی قرار داده است.

نقاط قوت دانشگاه فرهنگیان: دانشگاه فرهنگیان در افزایش اعتماد به نفس دانشجومعلم بسیار مؤثر است و به دنبال کنفرانس های زیادی که دانشجو ارائه می دهد، اعتماد به نفس وی بسیار بالا می رود؛ واحدهای درسی خیلی مفیدی در دانشگاه فرهنگیان ارائه می شود که کار را برای دانشجو معلم در کلاس درسش هموار می کند؛ همچنین استادان بسیار حرفه ای، با تجربه و باسوادی در این دانشگاه ها، نومعلمان را برای ورود به مسیر معلمی شان آماده می کنند.

کاستی های دانشگاه فرهنگیان: از کاستی هایی که نویسنده در ارتباط با دانشگاه فرهنگیان بیان کرده است: عدم بیان نکات کلیدی و کاربردی استادان روانشناسی درباره ی شخصیت نوجوان امروزی و نحوه ی دقیق برخورد با آنها، کم کاری بعضی از استادان دروس عمومی و عدم وجود واحدهای درسی تحت عنوان بررسی کتب درسی، که بسیار موضوع مهمی است و درصد زیادی از دانشجو معلمان به دلیل کمبود ارتباط واحدهای دانشگاهی با مباحث مدرسه ای، نکات کتاب های درسی مدرسه را فراموش کرده اند.

خوابگاه: از نظر نگارنده صداقت، شخصیت و باخدا بودن در میان دانشجویان و سرپرستان خوابگاه دانشگاه فرهنگیان موج می زد و امنیت زیادی در خوابگاه پردیس حاکم بود. اما از نظر شرایط فیزیکی و ظاهری خوابگاه به تعمیرات و تعمیرات نیاز داشت.

روند تدریس های نویسنده در دانشگاه فرهنگیان: در دانشگاه فرهنگیان دانشجومعلم با روش های تدریس متفاوتی آشنا شدند و با پیدا کردن نقاط ضعفشان و اجرای راهکارهای مؤثر زیر نظر استادان، روز به روز نسبت به قبل پیشرفت داشتند. کارورزی: در دوران کارورزی دانشجومعلم با مشاهدات تأملی، نوشتن گزارش ها، اقدام پژوهی و درس پژوهی گام های بلندی در جهت معلم شدن و محقق شدن برداشته اند.

سؤال اول: چگونه باید معلمی کرد؟

نویسنده پس از نگارش تجارب، سازماندهی آنها و نقد و بررسی این تجارب هنجارهایی برای چگونه معلمی کردن، از دل تجارب زیسته‌اش استخراج کرده و پاسخ سؤال فوق را با مطالعه‌ی تجارب حقیقی و زنده‌ی خود یافته‌است. این نتایج از زبان نگارنده بیان شده‌است:

قصدم دارم از روش تدریس‌های متفاوتی در کلاس‌هایم استفاده کنم. دانش خودم را به‌روز کرده و دائماً در حال مطالعه و یادگیری باشم. از قبل برای تدریس‌هایم طرح درس مناسب تهیه کرده و برای مدیریت و ارزشیابی کلاس برنامه‌ریزی کنم (کد ۹۲، ۹۳، ۹۵).

در کلاس با دانش‌آموزانم ارتباط مناسب داشته‌باشم و تا حد مشخصی به آنها اجازه‌ی صمیمیت بدهم. تصمیم دارم با صبر و حوصله افرادی با اعتماد به نفس تربیت کرده و به همه‌ی آنها توجه کافی داشته‌باشم. به آنها فرصت و آزادی بیان داده و در کنار کلاس شاد، اجازه ندهم هیچ دانش‌آموزی دیگری را به‌خاطر اشتباهاتش مورد تمسخر و خنده قرار دهد. توجه تمام دانش‌آموزان را به کلاس جلب کنم و آنان را وادار کنم در کلاس صحبت کرده و فعال باشند (کد ۳۵، ۴۵، ۷۳، ۷۴، ۷۵، ۹۸).

وجدان کاری داشته‌باشم و تمام اطلاعاتم را از مطالب پایه تا تخصصی به دانش‌آموزانم منتقل کنم (کد ۹۸).

از تنبیه و تشویق متناسب با روحیات دانش‌آموزان و شرایط کلاس استفاده کنم (کد ۱۳، ۴۴، ۵۰، ۶۹، ۷۰).

اگر دانش‌آموزانم در درس دچار اشکال و اشتباهی شدند، سعی کنم اشتباهات آنها را کوچک جلوه‌دهم تا حل آن نیز آسان‌تر باشد. فوراً واکنش بد نشان ندهم و با رفتارم باعث خجالت‌زدگی آنها نشوم و هرگز در مقابل دیگر دوستانشان با تنبیه‌های نامناسب غرور دانش‌آموزانم را نشکنم و سعی کنم به آنها در رفع اشتباهاتشان کمک نمایم. در کلاس فضای با آرامشی ایجاد کنم که دانش‌آموزانم با علاقه در کلاس شرکت کنند (کد ۱۰، ۱۱، ۱۴، ۴۳، ۴۵، ۴۶، ۵۴).

با توجه به اینکه معلم دوره‌ی اول و دوم متوسطه خواهم بود و نوجوانان در این سن و سال روحیات خاصی دارند و دانش‌آموزانم اختلاف سنی کمی با من دارد، قصدم دارم معلمی باحوصله و مهربان باشم. از نظر ظاهری به‌روز بوده، خوش‌پوش باشم و به فن بیان و نداشتن لهجه توجه کنم (کد ۸، ۹، ۵۲، ۵۳).

در کلاس به دانش‌آموزانم مسئولیت دهم تا از همین سن، تمرینی برای روحیه‌ی همکاری و مسئولیت‌پذیری داشته‌باشند. از جملات انگیزشی استفاده کرده و به آنها کمک کنم چگونه رویاهای بزرگ داشته‌باشند و آینده‌ی زیبا برای خود تصور کرده و برای رسیدن به آن تلاش کنند (کد ۲۹، ۳۰).

قصدم دارم که هرگز دانش‌آموزان را قضاوت نکنم و میان آنها تفاوت قائل نشوم. حتی اگر سال‌های زیادی سابقه داشته‌باشم نیز فکرمی کنم که نباید با تصور ذهنی قبلی و ساخته‌های ذهن خودم دانش‌آموزان را مورد قضاوت قرار دهم؛ چرا که پنج انگشت هیچوقت کاملاً شبیه هم نیستند و هر دانش‌آموز با دانش‌آموز دیگر بسیار متفاوت است (کد ۴۹، ۹۸).

علاوه بر نتایج فوق که مستقیماً از کدهای مستند، دریافت شده، مقاصد دیگری نیز در راستای پاسخگویی به سؤال «چگونه باید معلمی کرد؟»، از زبان نگارنده به شرح زیر بیان شده:

قصدم دارم برای فعالیت دانش‌آموزانم جوایزی در نظر بگیرم.

حتماً آنها را گروه‌بندی کرده و از فعالیت‌های گروهی استفاده کنم.

قصدم دارم گاهی اوقات دانش‌آموزانم را با چیزهایی که آنان را خوشحال می‌کند شگفت‌زده کرده و کارهایی انجام دهم که تصورشان از معلم ریاضی یک معلم همراه، پرانرژی، مرتب و با برنامه و با آرامش باشد نه یک معلم خشن و بسیار مقرراتی با کلاسی خشک.

دانش‌آموزان را با احترام صدا کنم؛ چرا که استفاده از القاب خانم یا آقا به آنها احساس بزرگی داده و قبول مسئولیت و داشتن رفتار مناسب به همراه دارد.

نام دانش‌آموزان را سریع به خاطر بسپارم.

قصدم دارم وقت شناس باشم و فعالیت‌هایی که موظف به انجام آنها هستم را به موقع انجام دهم، تا الگویی برای تأخیر نداشتن در انجام وظایف برای دانش‌آموزان باشم.

نتایج امتحانات و تکالیف را زود اعلام کنم؛ بدین ترتیب دانش آموز به اهمیت آن برای من پی برده و با دانستن نتیجه‌ی فعالیت قبلی خود فعالیت جدید را بهتر انجام دهد.

قصد دارم ارتباط مناسبی با اولیا دانش آموزان برقرار کنم تا همکاری لازم آنان را در کنار خودم داشته باشم.

سؤال دوم: باورها، آرمان‌ها و تعهدات حرفه‌ای برای آینده‌ی معلمی چیست؟

نگارنده در راستای پاسخ به این پرسش طی پژوهش انجام شده، باورها، آرمان‌ها و از همه مهم‌تر تعهداتی برای خود لحاظ کرده که به اختصار بیان می‌شود:

باورها: معلم باید کارهای علمی و پژوهشی انجام داده و دائماً دانش خود را در مباحث درسی، نحوه‌ی برخورد و کلاس‌داری به‌روز کند. در فرآیند یادگیری یک معلم خوب نباید تدریس خود را به پرسش و پاسخ محدود کند، بلکه اداره و مدیریت کلاس باید به گونه‌ای باشد که در کنار فضای درسی و تعلیم، جوی صمیمانه در کلاس ایجاد شده، دانش آموزان با وی ارتباط عاطفی مطلوبی برقرار کنند. برای اینکه دانش آموزان متوجه شوند که آرامش آنها در گرو نمره نیست و تمام زندگی آنان نباید تحت تأثیر درس و مدرسه قرار گیرد، معلم باید ضمن ایجاد انگیزه به آنها این پیام را برساند که تمام زندگی بر روی چرخه‌ی درس نمی‌چرخد. معلم باید کلاس را با همکاری داوطلبانه‌ی همه‌ی دانش آموزان پیش برده و دانش آموزانی تربیت کند که به دنبال کسب استعدادها و علایق‌شان باشند. معلم باید سعی کند نقاط قوت دانش آموزان را با توجه به تفاوت‌های شخصی‌شان پیدا کرده و این ویژگی‌هایشان را پررنگ جلوه دهد.

آرمان‌ها: عشق به حرفه‌ی معلمی، ایجاد تحول در سیستم آموزشی، تأسیس مدرسه در مناطق محروم، مطالعه‌ی فراوان، رعایت انصاف و ثبات رفتاری از مهم‌ترین آرمان‌های نگارنده می‌باشد.

تعهدات: نویسنده خود را متعهد به مطالعه‌ی فراوان درباره‌ی عملکرد آموزش و پرورش در کشورهای مختلف، انجام کارهای پژوهشی، ادامه تحصیل تا مقاطع بالا در رشته‌ی خود، شرکت در کلاس‌های گویندگی و فن بیان، مطالعه‌ی کتاب‌های تربیتی و بهبود ارتباط با نوجوانان، نوشتن طرح درس دقیق و منسجم، شرکت در کارگاه‌های ریاضی و روانشناسی، تقویت زبان انگلیسی، ایجاد تنوع در کلاس درس با ارائه‌ی دست‌سازه، کار گروهی، بازی، اهدای جوایز، رعایت نظم در کلاس و ... می‌داند. در انتها از زبان نگارنده می‌شنویم: «همه‌ی ما از تأثیر فراوان آموزش و پرورش و معلم به عنوان هسته‌ی این نظام، بر زندگی و آینده‌ی کودکانمان آگاه هستیم، بنابراین من فکرمی‌کنم که ما معلمان برای سربلند شدن در این وظیفه‌ی خطیر، باید دیدگاه کاملاً واضح و روشنی از شغل خود داشته و با تمام پیچ و خم‌های این مسیر و طریقه‌های برخورد با آنها اعم از روانشناسی نوجوانان، احاطه کامل بر مفاهیم درسی، روش‌های تدریس، ارتباط اجتماعی مناسب و ... آشنا باشیم و با آگاهی کامل به وظیفه‌مان عمل کنیم؛ که این کار جز با یافتن منابع به‌روز، تحقیق و مطالعه‌ی فراوان در زمینه‌ی شغلی‌مان میسر نخواهد شد و من تصمیم دارم با ادامه تحصیل در رشته‌ی خودم و انجام کارهای پژوهشی فراوان و چاپ مقالات علمی - پژوهشی کارم را ارتقا دهم».

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف واکاوی تجارب زیسته‌ی دانشجو معلم و سازماندهی و نکته‌برداری از آنها، ابتدا شروع مسیر معلمی پژوهشگر را بررسی و سپس چهارچوب و قوانینی برای آینده‌ی معلمی وی وضع نمود. برای نیل به چنین هدفی مناسب‌ترین روش روایت پژوهی بود. لذا نویسنده با به‌کار بستن این شیوه در ابتدا حوادث و رویدادهایی که منجر به قدم گذاشتن وی در مسیر معلمی شده بود را مکتوب کرده و سپس برای تحلیل این رویدادها و استفاده از نتایج آنها روش تحلیل مضمون را انتخاب نمود. طی بررسی‌های اولیه نویسنده متوجه شد که عامل اصلی ورود وی به این رشته و شغل بیشتر از همه چیز علاقه به رشته‌ی ریاضی، موافقت خانواده، امنیت شغلی، علاقه به معلمان و شغل معلمی و ... بوده است که این نتایج در واقع هم‌راستا با پژوهش اناری‌نژاد و حاتمی آباد شاپوری (۱۳۹۷) بوده است. نگارنده با انرژی فراوانی وارد دانشگاه فرهنگیان شد و امیدوار بود بتواند در دوره‌ی چهارساله‌ی تربیت معلم به معلمی بسیار حرفه‌ای و با اعتماد به نفس تبدیل شود و تا حدود زیادی این شرایط محقق شد. لازم به

ذکر است که هرچند شیوع ویروس کرونا^۱ سیر این روند رو به رشد را کندتر کرد اما باز هم استادان و عوامل دانشگاه فرهنگیان وضعیت موجود را خیلی خوب مدیریت کرده و توانستند دانشجویان با سواد تربیت کنند. از نظر واحدهای درسی متأسفانه آن گونه که نویسنده تصور می کرد نبود و در برنامه درسی جای برخی واحدهای اختصاصی و بررسی کتب درسی خالی بود و دروس تربیتی و عمومی عملکرد خیلی خوبی نداشتند. همچنین برخلاف تصور ساختمان و خوابگاه های پردیس های فرهنگیان وضعیت فیزیکی خوبی نداشتند. این نظر نویسنده با پژوهش نظری، اینانو و سلیمیان (۱۳۹۵) هم خوان است؛ اما از لحاظ ارتباط بین افراد، شخصیت و صداقت، درک و میزان سواد دانشجویان، استادان و سرپرستان خوابگاه دانشگاه فرهنگیان در سطح بسیار بالا و پرافتخاری قرار داشتند. از نظر نگارنده معلمان به دلیل ارتباط مستقیمی که با دانش آموزان دارند، تأثیر گذارترین عنصر برنامه درسی محسوب می شوند؛ لذا ایجاد تحول در سیستم آموزشی و عشق به حرفه ی معلمی را از مهم ترین آرمان های تلقی می کند که این مهم با پژوهش حق خواه و چنگیزی نژاد فرد (۱۴۰۱) همسو می باشد. در نهایت نگارنده سعی دارد با رعایت نکات مذکور که از دل تجارب زیسته استخراج شده اند در مسیر معلمی اش قدم برداشته و امید دارد در این راه روزه روز پیشرفت های چشم گیری داشته باشد.

بمنظور توسعه ی حرفه ای دانشجو معلمان و بهبود چالش های موجود پیشنهاد می شود که کارگاه هایی در خصوص بهبود فن بیان در دانشگاه برگزار گردد و همچنین واحدهایی برای مرور کتاب های درسی در دانشگاه فرهنگیان ارائه شود؛ علاوه توصیه می شود بقیه ی همکاران و دانشجو معلمان نیز تجارب زیسته ی خود را در سایر شهرها و پردیس ها با دیگران به اشتراک بگذارند. محدودیت هایی که برای این پژوهش می توان لحاظ کرد عبارتند از: مجازی شدن آموزش ها به دلیل شیوع ویروس کرونا، عدم دسترسی نویسنده به هم کلاسی های دوران تحصیل در مدرسه (بجز ۴ نفر) برای دستیابی به تجارب و خاطرات بیشتر در این دوران و از همه مهم تر این که این تجارب، مخصوص نویسنده ی این پژوهش در مدارس شهرستان گچساران و پردیس باهنر شیراز بوده و در استناد به نتایج آن باید دقت کافی داشت.

^۱ Coronavirus disease

منابع

- الماسی، حجت اله؛ زارعی زوارکی، اسماعیل؛ نیلی، محمد رضا و دلاور، علی. (۱۳۹۶). ارزشیابی برنامه درسی کارورزی چهار در دانشگاه فرهنگیان براساس مدل ارزشیابی هدف محور تایلر. *فصلنامه علمی پژوهشی تدریس پژوهی*. دوره ۵. شماره ۱. ۲۴-۱.
- اناری نژاد، عباس و حاتمی آباد شاپوری. (۱۳۹۷). تجربه‌ی زیسته من در دانشگاه فرهنگیان برای معلم شدن. *فصلنامه علمی - ترویجی آموزش پژوهی*. دوره ۴. شماره ۱۶. ۳۵-۱۶.
- برنامه درسی دوره کارشناسی پیوسته رشته آموزش ریاضی (خاص دانشگاه فرهنگیان) (۱۳۹۵). معاونت آموزشی و تحصیلات تکمیلی دانشگاه فرهنگیان.
- حق خواه، ساره؛ اسداله‌ی فرد، الهام و خانی کهنوتی، زهرا. (۱۴۰۱). تجربه‌ی زیسته من از کودکی تا وارد شدن به عرصه‌ی معلمی. *هفتمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در مدیریت، روانشناسی و آموزش و پرورش*. تهران.
- حق خواه، ساره و چنگیزی نژاد فرد منصوره. (۱۴۰۱). عاشق شدن در راه معلمی. *هجدهمین کنفرانس آموزش ریاضی ایران*. دامغان.
- علاقه‌بند، علی. (۱۳۹۳). *جامعه‌شناسی آموزش و پرورش*. تهران: نشر روان.
- فرهادی‌راد، حمید؛ هاشمی، سید جلال و رحمتی، فرزانه. (۱۳۹۷). الگوی مشترک بهترین تجارب تدریس: علت‌ها، زمینه-سازها و راهبردها. *نشریه علمی - پژوهشی آموزش و ارزشیابی*. دوره ۱۱. شماره ۴۲. ۱۱۵-۹۱.
- فرهی، محمدجواد. (۱۳۹۶). تبیین جایگاه و نقش معلم در نظام آموزشی. *کنفرانس بین‌المللی روانشناسی، مشاوره، تعلیم و تربیت*. مشهد.
- کاوه، محمد. (۱۳۹۱). *آسیب‌شناسی بیماری‌های اجتماعی*. جلد اول. تهران: نشر جامعه‌شناسان.
- نظری، ولی‌اله؛ اینانلو، حسین و سلیمیان، سعیده. (۱۳۹۹). تبیین تجربه‌های زیسته‌ی نو معلمان دانشگاه فرهنگیان نمونه‌ی موردی: جغرافیا و رودی ۱۳۹۵، استان البرز. *پژوهش در آموزش مطالعات اجتماعی*. دوره ۲. شماره ۴. ۱۱۴-۹۱.
- نظریان، محمدرضا؛ عابدی، احمد؛ مهداد، علی و نادری، محمدعلی. (۱۳۹۹). تجارب زیسته‌ی معلمان در زمینه‌ی شناسایی استعدادهای دانش‌آموزان مبتنی بر ابعاد و مؤلفه‌های الگوی تدریس اثربخش. *رویکردهای نوین آموزشی*. دوره ۵. شماره ۲. ۴۳-۵۸.
- نلر، جورج. (۱۳۸۸). *انسان‌شناسی تربیتی*. ترجمه محمدرضا آهنگیان و یحیی قانلی. تهران: انتشارات آبیژ.
- Bass, H. (۲۰۰۴), *Mathematics, Mathematicians, and Mathematics Education, First Plenary Lecture of the 10th International Congress on Mathematical education*, Denmark.
- Boyatzis, R. E. (۱۹۹۸), *Transforming qualitative information: thematic analysis and code development*, Sage Publications, California.
- Braun, V. & Clarke, V. (۲۰۰۶), *Using thematic analysis in psychology, Qualitative Research in Psychology*, ۳(۲), ۷۷-۱۰۱.
- Krainer, K. (۱۹۹۶), *Some Consideration on Problem and Perespective of Mathematics Teacher Education*, In C. Alsina et al (Eds.); *8th International Congress on Mathematical Education. Selected Lectures*. Sevilla (Spain): S. A. E. M. Thales.
- Ryan, G. W. & Bernard, H. R. (۲۰۰۰), *Data Management and Analysis Methods*, In Denzin, N. K. & Lincoln, Y. S. (Eds.), *Handbook of qualitative research*, ۲, ۷۶۹-۸۰۲, Thousand Oaks, CA: Publications, California.
- Webster, L. and Mertova, p. (۲۰۰۷), *Using Narrative inquiry as a Research method*, Rutledge Publications.